

هو العليم

فناى اصحاب سيدالشهداء عليه السلام در آن حضرت

آية الله حاج سيد محمد محسن حسيني طهراني

شرح حديث عنوان بصرى جلسه ٣٦

حضرت آیه الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی در شرح روایت عنوان بصری در رابطه با فنای اصحاب سیدالشهداء علیه السلام در آن حضرت می فرمایند :

یک روز در کربلا در خدمت مرحوم آقای حدّاد- رضوان الله علیه- بودیم، مرحوم والد هم بودند، والد بزرگ ما، جدّ مادری ما، مرحوم حاج آقا معین شیرازی- رحمة الله علیه- ایشان هم حضور داشتند. یک مطلبی را ایشان از آقای حدّاد سؤال کردند و لکن مرحوم آقا جواب دادند. ایشان سؤال کردند که:

در زیارتی که از امام صادق علیه السلام راجع به شهدای کربلا وارد شده است (زیارت سیدالشهداء در روز عرفه)، حضرت می فرمایند: "السّلام علیکم یا اولیاء الله و احبائه، السّلام علیکم یا اصفیاء الله و اودائه، السّلام علیکم ..."، "بعد به دنبال آن می فرمایند: "بابی انتم و امّی": پدر و مادر من فدای شما باد!

چطور ممکن است امام علیه السّلام بیاید در قبال مزار مطهر آنها و بگوید: "بابی انتم و امّی"؛ این کلام دلالت بر این می کند که امام علیه السّلام در مقام تعلیم به ما می باشند، که وقتی ما در کنار آن مقامات می ایستیم همین مطلب را بگوئیم، و آلا چگونه امام زمان علیه السّلام بیاید در کنار آنها بایستند و بگوید: "بابی انتم و امّی؟!"

مرحوم آقا در جواب این مطلب فرمودند: "نخیر! هیچ اشکالی ندارد، منافاتی ندارد که خود امام علیه السّلام بیاید و در اینجا این مطلب را بفرماید؛ و جهتش هم این است که این ارواح مطهره ای که الان در اینجا مدفون هستند، اینها الان دیگر جنبه استقلالیت ندارند. اینها وقتی که در روز عاشورا آمدند زیر خیمه امام حسین و در تحت ولایت آن حضرت قرار گرفتند، دیگر امام حسین شدند. نه اینکه هر کدام از اینها یک امام حسین بشود، امام حسین یکیست، دو تا امام حسین ما نداریم، ولی اینها دیگر آن جنبه غیریت با سیدالشهداء را از دست دادند و فانی در ذات و ولایت آن حضرت شدند.

پس الان دیگر در واقع حبیب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه ای وجود ندارد، الان دیگر بریر و عابسی وجود ندارد، الان حضرت ابوالفضل و حضرت علی اکبری وجود ندارد. الان سیدالشهداء هست و بس. الان امام حسین هست و بس، دیگر کسی نیست! و وقتی که در مقابل این شهدا می ایستیم و می گوئیم: "بابی انتم و امّی" کانّ داریم به سیدالشهداء می گوئیم: "بابی انتم و امّی"، نه اینکه آنها را جدای از آن حضرت مدّ نظر قرار بدهیم، آنگاه خطاب کنیم. اگر جدا باشد که معنا ندارد امام زمان علیه السّلام حتّی در مقام تعارف، و اظهار امتنان و تشکر از این افراد این کلمات را بیان بفرمایند؛

چون آن چرا که الآن دارد به این شهدا می‌رسد از دریچه خود امام زمان به آنها می‌رسد. الآن آن فیوضاتی که دارد به حبیب می‌رسد از طرف امام زمان به او می‌رسد. ان وقت چطور میشود امام زمان علیه السلام بیاید و بگوید: "بابی انت و امّی!"

ولذا در جریان روز عاشورا یک جنبه و حالت وحدتی بین حضرت سیدالشهداء علیه السلام با اصحاب حکم فرما بود، و اصلاً فرقی بین آنها از نقطه نظر بروز و ظهور افعال و اطوار وجود نداشت؛ و همان نفس ولایت حضرت، خیمه خود را بر شراشر وجود همه آنها افکنده بود، به حیثی که هیچ اراده و خواستی برای آنها سوای اراده و مشیت مولای خود وجود نداشت.

و لذا پیشنهاد ابوثمّامه به سید الشهداء علیه السلام در روز عاشورا دچار اشکال و نقد قرار نمی‌گیرد چراکه فقط یک خواست و اراده در اینجا می‌ماند و آن اراده و مشیت حضرت است و بس! و اینکه جناب ابوثمّامه صیداوی پیشنهاد کرده است که با حضرت نماز ظهر را بجای آورد در واقع خود آن حضرت این مطلب را خواسته و طلب کرده، منتهی از زبان و ظهور این صحابی جلیل القدر و با معرفتش ظاهر شده است، و او در اینجا حکم زبان ناطق امام علیه السلام را پیدا نموده است.^۱

^۱ شرح حدیث عنوان بصری جلسه ۳۶.